

این کتاب مشتمل است بر سه مقاله یا رساله از آثار ابن کمونه درباره نفس با نام‌های: ۱. مقاله فی ازلية النفس و بقائها ۲. مقاله فی أن النفس لیست بمزاج البدن...۳. رساله فی ابدية النفس و بقائها و بساطتها، که با مقدمه و تصحیح سرکار خانم انسیه برخواه، در ۲۳۷ صفحه، و یک مقدمه به زبان انگلیسی از پرفسور زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی در ۶ صفحه، از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، منتشر شده است.

مصحح محترم، مقدمه مفصلی در باب معرفی ابن کمونه، آثار و آراء او در هشتاد و شش صفحه تدوین کرده‌اند و در آخر کتاب نیز، فهرست‌های لازم و متداول، مثل فهرست نام‌ها، کتاب‌ها، واژگان اصطلاحی و کتابنامه یا منابع و مأخذ تنظیم کرده‌اند.

این بنده، با توجه به علاقه شخصی و دیدگاه فرهنگی مبنی بر ضرورت اهتمام به نشر آثار خطی، از هر قدمی که در این مسیر برداشته شود، استقبال می‌کنم و از متولیان آن سپاسگزاری می‌کنم و بر این اساس، تلاش سرکار خانم انسیه برخواه را که، به عنوان یک مصحح جوان در حوزه آثار فلسفی، به احیای میراث عظیم ما پرداخته‌اند، ارج می‌نهم و سهامتشان را در ورود به چنین عرصه‌ای، تبریک می‌گویم و برای ایشان، سلامت و موفقیت از خدای بزرگ خواهانم. با ملاحظه کتاب، نکاتی به ذهنم رسیده است که آن را به این امید یادآور می‌شوم که جنبه آموزشی داشته باشد و از ارزش کار سخت و طاقت‌فرسای مصحح محترم نگاهد و او را در کسب توفیقات بیشتر، در کارهای بعدی یاری کند.

۱. شاید بهتر بود برای روی جلد، نام سه رساله از ابن کمونه درباره نفس انتخاب می‌شد و البته، مانعی نبود که عناوین رسالات، زیر همان عنوان کلی ذکر شود. به این ترتیب، حق هر سه رساله حفظ می‌شد.

۲. معلوم نیست، انتخاب نام *ازلیة النفس*... برای روی جلد و ترجیح آن بر دو مقاله دیگر، بر چه مبنایی بوده است و هیچ توضیحی، در مقدمه، برای این معنا داده نشده است. در صورتی که، چنین توضیحی لازم بود.

۳. مصحح محترم، در مقدمه، باید به طور مشخص روشن می‌کردند که آیا این مقالات، پیش از این، در جایی چاپ شده است یا نه. این، ضرورتی است که باید یادآور می‌شد. هر چند، در لابلای مطالب در مورد رساله اول، بر چاپ فاکسیمیل آن اشاره کرده‌اند.

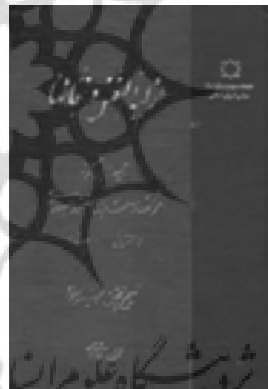
۴. عنوان کتاب، متأسفانه غلط است: *ازلیة النفس و بقائها*. «بقائها» عطف بر «ازلیة» است و باید مرفوع می‌شد. به این صورت: *ازلیة النفس و بقاؤها* و یا این که تعبیر کامل نویسنده ذکر می‌شد: *مقاله فی ازلية النفس و بقائها*. اما مصحح محترم برای زیبایی عنوان روی جلد، در عبارت مصنف تصرف کرده است، بدون آن که در مقدمه به این تصرف پرداخته و توجیه کرده باشد. هر چند، چنین تصرفاتی اصولاً صحیح نیست.

۵. مصنف در فصل پنجم رساله: *ازلیة...* (ص ۱۱۰ همین کتاب) در بیان این که نفس انسان قدیم است، گفته است برهان آن را در *مقاله النفس لیست بمزاج*... اقامه کرده‌ام. معلوم می‌شود رساله دوم این کتاب، قبل از اولی نوشته شده است. بنابراین، شایسته بود مصحح محترم، در ترتیب مقالات، *مقاله النفس لیست*... را مقدم می‌داشت و در فصل پنجم که ذکر شد، به آن ارجاع می‌داد.

۶. مصحح محترم در آخرین پاورقی کتاب در صفحه ۲۰۸ به نقل از نسخه «ن»، عبارت «قدوة الحكماء

ازلية النفس و بقائها

نجفقلی حبیبی



این کمونه، ازلية النفس و بقائها تصحیح و تحقیق و مقدمه انسیه برخواه، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست.

عزالدوله را به نادرست «قدوة الحكماء اليهوديين» ثبت کرده است. در حالی که، طبق صفحه آخر نسخه «ن» که در صفحه ۲۲۰ کتاب، چاپ شده است، «قدوة الحكماء عزالدوله» است. با توجه به بحث مفصل و چالش برانگیز در مورد اعتقادات دینی ابن کمونه، که مصحح محترم نیز در مقدمه به آن پرداخته‌اند و با توجه به ابهاماتی که در

مورد یهودی بودن یا مسلمان بودن او، هنوز وجود دارد، این عبارت، می‌تواند در این چالش، تعیین‌کننده باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت چنین عباراتی که تأثیر تاریخی دارند، از این مصحح ارجمند و همه مصححان عاجزانه درخواست می‌شود، اگر عبارتی را نتوانستند بخوانند، از آشنایان به خطوط گذشتگان بپرسند یا دست‌کم بنویسند: «توانستم بخوانم.» که بیان هیچ‌کدام از این‌ها عیب نیست. اما، اغراء به جهل، که از سر بی‌دقتی صورت گیرد، مسلماً عیب است.

۷. در صفحه ۲۱ مقدمه، عبارت: «ابن کمونه در مقدمه [الكاشف] از امیر سیف‌الدین سنجر صاحبی یاد کرده است.» که بدون ذکر مأخذ، از ص ۱۳ رساله آقای دکتر سید موسوی گرفته شده است، درست و مفید نیست. البته، آقای دکتر سید موسوی که این‌جا اشتباه کرده است، در صفحه ۴۱ رساله خود، آن را جبران کرده است، سخن در

این است که ابن کمونه گفته است که کتاب را به دستور امیر دولتشاه، فرزند امیر سیف‌الدین سنجر نوشته است. افزون بر این، به نظر می‌رسد کلمه «صاحبی»، لقب سیف‌الدین سنجر نیست. بلکه، احتمالاً مربوط به امیر دولتشاه است و به معنای مولا و سرور من. یعنی، ابن کمونه، دولتشاه، پسر سیف‌الدین سنجر را مولای خود دانسته است.

۸. مصحح محترم در صفحه ۸۳ مقدمه، نسخه *ازلیة النفس...* را منحصر به فرد دانسته است که در مجموعه شماره ۳۸۱۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است و ایشان با اصلاحات قیاسی و اجتهادی، رساله را تصحیح کرده‌اند. این در حالی است که، اولاً، خودشان به چاپ فاکسیمیله آن اشاره کرده‌اند و تذکر نداده‌اند که آیا برای تهیه آن تلاش کرده‌اند یا نه. ثانیاً، بنابر آن‌چه در جلد پنجم فهرست کتابخانه مجلس، ص ۲۸۷ و جلد نهم، بخش دوم آن، ص ۵۰۲ تا ۵۰۹، به تفصیل در باب ابن کمونه است، نسخه‌ای از آن به شماره ۱۸۳۷ موجود است و احتمالاً، نسخه دیگری در مجموعه شماره ۳۸۶۲ موجود باشد. توقع این بود که مصحح محترم بیشتر جستجو می‌کردند.

۹. مصحح محترم در صفحه ۸۳ مقدمه، زیر عنوان «... روش تصحیح» توضیح داده و در واقع متعهد شده‌اند که کلمه یا عبارتی را که با تشخیص خودشان صحیح بدانند، در متن، داخل دو قلاب [] قرار می‌دهند و همین روش، شامل عناوینی می‌شود که ایشان به متن اضافه و افاضه می‌فرمایند. اما، به جز، یکی دو مورد، در سایر موارد به این تعهد پای‌بند نبوده‌اند. حتی، در صفحه اول مقاله *ازلیة النفس...* به جز، در مورد [اما بعد]، عنوان «الفصل الأول» را که خود اضافه کرده‌اند و نیز پاورقی‌های ۲ و ۳ را در متن، در داخل قلاب [] قرار نداده‌اند. سراسر کتاب، چنین است و ایشان باید توجه کنند که عمل نکردن به تعهدات پذیرفته شده علمی، از ارزش کار علمی ایشان می‌کاهد.

۱۰. نقل عبارات طولانی عربی، که مکرر در مقدمه انجام شده است، چندان مناسب مقدمه رسالاتی از این نوع نیست و ضرورتی ندارد. مگر این که، دلیلی بر آن باشد. در حالی که مصحح، دلیلی بر این کار نیاورده‌اند.

مصحح محترم در مقدمه مفصل کتاب، برای تبیین زندگی و دیدگاه‌های ابن کمونه، به ترتیب اهمیت و اکثریت، از آثار زیر استفاده بسیار کرده است: مقدمه رساله دکتری سید حسین سیدموسوی، با عنوان *تصحیح التتقیحات فی شرح التلویحات* اثر ابن کمونه، فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی، جلد نهم، بخش دوم، ص ۵۰۲ تا

عنوان کتاب، متأسفانه غلط است:

ازلیة النفس و بقائها. «بقائها» عطف بر «ازلیة» است و

باید مرفوع می‌شد. به این صورت:

ازلیة النفس و بقاؤها و یا این که

تعبیر کامل نویسنده ذکر می‌شد:

مقالة فی ازلیة النفس و بقائها

مصحح محترم در آخرین پاورقی کتاب
در صفحه ۲۰۸ به نقل از نسخه «ن»
عبارت «قدوة الحكماء عزالدوله» را
به نادرست و «قدوة الحكماء اليهوديين»
ثبت کرده است.

۵۱۵ (که البته، دکتر سیدموسوی نیز از آن استفاده بسیار کرده است) و نیز فهرست جلد پنجم، ص ۴۴۳، به خصوص در مورد الکاشف، و در مرتبه سوم از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی زیر عنوان این مکونه و ابن فوطی. اما، کمتر از آن چه لازم بوده است و من در این جا ضرورتی به نقل مورد به مورد آن‌ها نمی‌بینم، به این مأخذ ارجاع داده است. به خصوص، رساله آقای دکتر سیدموسوی، مرجع و راهنمای خوب و مفیدی بوده است. معتقدم شایسته بود که مصحح محترم، از ایشان و مقدمه رساله‌شان بیشتر یاد می‌کردند و اسناد می‌دادند و دست‌کم از باب «الفضل للمتقدم»، از ایشان قدردانی می‌کردند تا شائبه‌ای به وجود نیاید و باید توجه داشته باشند که، اعمال تقدم و تأخر در نقل مطالب دیگران، تأثیری بر اصل موضوع ندارد.

موارد محدودی نیز، از باب نمونه، در مورد دقت مصحح در تصحیح ذکر می‌شود:

با توجه به اظهار مصحح محترم در اعمال تصحیح قیاسی، در عنوان فصل اول (ص ۹۱) عبارت صحیح، چنین خواهد بود:
«[الفصل الأول] فی قول شارح...» کلمه «شارح» صفت «قول» است. پس باید با آن مطابقت کند و دو حالت درست است: «فی القول الشارح»، «فی قول شارح».

در صفحه ۹۶، پاورقی ۲، باید چنین باشد: «کان هذا الشيء المشار إليه ب «أنا» [مغایراً]»
در صفحه ۹۶، آخر سطر ۱۰، کلمه «معینه» بی‌معناست و باید «بعینه» باشد.
در صفحه ۹۷، سطر ۱۰ و ۱۱، برای نشانه‌گذاری جمله معترضه یا توضیحی، باید به این صورت عمل می‌شد:
«فإن الأعراض التي تفرض للنفس فتوجب صدور أفعال منها بحسبها كالإرادة والقدرة و غیر هما - لانسميها نفوساً» که در واقع، چنین می‌شود: «... الأعراض التي تفرض للنفس لانسميها نفوساً».

در صفحه ۱۴۵، پاورقی ۲۷، کلمه «سُقنا» درست است. یعنی، سخنمان را راندیم؛ نه، سبقت گرفتیم کلامان را.

در صفحه ۱۵۲، سطر ۹، عبارت: «لايكون ذاته وحدها سبب للمحال» نادرست است و درست آن، چنین است: «... سبباً...» و در سطر ۱۱ و ۱۲، عبارت: «لكان أحد الأمرين لازم» نیز، درست آن چنین است: «... لازماً...».

در صفحه ۱۹۵، سطر ۷، پاورقی ۱۰ و ۱۱ عبارت: «مما قدحه زیاد خاطری» نادرست است و درست آن، چنین است: «ماقدحه زناد خاطری». در نسخه ب «ما» درست است مفعول برای «أثبت» و در نسخه‌های پ و ن «زناد» درست است که به معنای آتش‌گیره است. یعنی، در این رساله، چیزی اثبات کرده‌ایم که آتش‌گیره یا آتش‌اندیشه من آن را برافروخته است. مصحح محترم گویا به معنای جمله توجه نداشته‌اند و گرنه در نسخه ن و پ درست است. به علاوه، مصحح محترم، فهرست مجلس، جلد نهم، ص ۵۰۲ - ۵۰۹ را قطعاً دیده‌اند و در آن جا نیز، «زناد خاطری» ذکر شده است.

در صفحه ۱۹۵، سطر ۸، عبارت: «على أن وجود النفس أبدی و بقاؤها سرمدی» نادرست است و درست آن، چنین است: «... و بقاها». کلمه «بقاها» عطف است به کلمه «وجود» در نسخه ن که عکس آن، در ص ۲۱۹ چاپ شده است نیز، چنین است.

در صفحه ۱۹۶، سطر ۴، پاورقی ۶، «صنعة البرهان» که در نسخه «غ» آمده است، درست است.
در پایان، یادآوری می‌کنم که ذکر چند نمونه، فقط برای توجه دادن به مصححان جوان، چون خانم برخواه است که، ان شاء... ضمن تلاش خستگی‌ناپذیر، دقت نظر خویش را نیز اعمال کنند و باز می‌گویم که آن چه از باب نصایح گفته شد، به هیچ‌رو از ارزش زحمات مصحح محترم نمی‌کاهد. امیدوارم پند گیرند، نه ملال.